

۱۳۶۹/۵/۱۸
۹۳۷ ۳۰۶۸
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه پژوهی گناه غیبت

تالیف

محمد رسول آهنگران

www.ketab.ir



شماره مسلسل ۸۵۶۷

شماره انتشار ۳۶۵۸

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه : آهنگران، محمد رسول، ۱۳۵۴-
عنوان و نام پدیدآور : فقه پژوهی گناه غیبت / تألیف محمد رسول آهنگران ؛ [ویراستار فرشاد رضوان].
مشخصات نشر : تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ص، ۱۵۲ ص.
روست : انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۳۶۵۸.
بک : 978-964-03-6810-7
وضع فهرستنویسی : فیا.
ناشت : کتابنامه : ص. [۱۵۱] - ۱۵۲ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع : غیبت (اخلاق اسلامی).
موضوع : غیبت (اخلاق اسلامی) - جنبه‌های قرآنی.
موضوع : غیبت (اخلاق اسلامی) - احادیث
شناسه اثر : دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنفرم : ۱۳۹۴ ف ۷ / ۳ / ۲۵۱ BP
رده‌بندی دیویی : ۲۷۰.۳۴
شماره کتابشناسی : ۳۹۷۱.۶۵

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مصنفان و مؤلفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازی، وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی است.

ISBN: 978-964-03-6810-7



9 789640 368107

عنوان: فقه‌پژوهی گناه غیبت
تألیف: دکتر محمد رسول آهنگران
ویراستار: فرشاد رضوان
نوبت چاپ: اول
تاریخ انتشار: ۱۳۹۴
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است»

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

بها: ۱۰۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرش مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press @ ut. ac. ir - تارنما: http://press.ut.ac.ir

بخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

فهرست مطالب

پیشگفتار

مقدمه کتاب

فصل اول : حکم شرعی غیبت	۱
مقدمه	۱
گفتار اول : دلایل و مستندات حکم تکلیفی	۲
گفتار دوم : کبیره بودن گناه غیبت	۱۲
گفتار سوم : شرط بودن ایمان، عاقل، بالغ و بالغ و عاقل در غیبت شونده	۱۴
گفتار چهارم : غیر مشروط بودن بلوغ و عقل در غیبت شونده	۲۳
جمع بندی فصل اول	۲۷
فصل دوم : قیود دخیل در مفهوم غیبت	۲۹
مقدمه	۲۹
گفتار اول : بیان غیب از راه زبان	۳۰
گفتار دوم : اتصاف مورد به غیب	۳۲
گفتار سوم : ناراحتی غیبت شونده	۳۵
گفتار چهارم : قصد تحقیر	۳۷
گفتار پنجم : پوشیده و پنهان بودن غیب	۴۱
گفتار ششم : شناخته شده بودن غیبت شونده	۴۷
گفتار هفتم : حضور و موجود بودن غیبت شونده	۵۳
گفتار هشتم : دخالت انواع غیب	۵۵
گفتار نهم : وجود غیب در غیبت شونده	۵۹
گفتار دهم : غایب بودن غیبت شونده	۶۳

۶۵	جمع بندی فصل دوم
۶۷	فصل سوم : چگونگی توبه و کفاره غیبت
۶۷	مقدمه
۶۸	گفتار اول : وجوب استحلال و حلالیت گرفتن از غیبت شونده
۷۷	گفتار دوم : بی‌توب استغفار برای غیبت شونده
۸۹	گفتار سوم : توبه از جنبه حق الله
۹۴	گفتار چهارم : امتضان حمد و ثنای الهی و اصل عملی
۹۷	جمع بندی فصل سوم
۹۹	فصل چهارم : موارد استثنای حرام غیبت
۹۹	مقدمه
۹۹	گفتار اول : تجاهر به فسق یا گناه علنی
۱۱۳	گفتار دوم : تظلم و دادخواهی مظلوم
۱۲۱	گفتار سوم : مشاوره و خیرخواهی
۱۲۵	تعارض یا تراحم میان ادله وجوب نصیحت با ادله حرمت غیبت
۱۲۵	معیار تفاوت تعارض با تراحم
۱۳۲	گفتار چهارم : باقی موارد استثناء
۱۳۳	جمع بندی فصل چهارم
۱۳۵	فصل پنجم : حکم استماع و شنیدن غیبت
۱۳۵	مقدمه
۱۳۵	گفتار اول : حکم تکلیفی شنیدن غیبت
۱۴۱	گفتار دوم : موارد جواز شنیدن غیبت
۱۴۵	گفتار سوم : رد غیبت یا دفاع از غیبت شونده
۱۴۵	الف) روایات خاصه دلالت کننده بر وجوب رد

ب) ادله عام و مطلق مثبت و جواب رد ۱۴۸

ج) مقتضای حکم عقل ۱۴۹

جمع بندی فصل پنجم ۱۵۰

فهرست منابع ۱۵۱

پیشگفتار

دین اسلام با بنا گذاردن جامعه بر مبنای ارزش‌های والای انسانی و معنوی، نقشی کلیدی در ساختارهای اجتماعی ایفا می‌کند. اصولی که روابط اجتماعی افراد را از خردترین واحد اجتماع که خانواده است تا سطح کلان در برمی‌گیرد و درکنار توجه به بعد فردی بر اساس آموزه‌های الهی، جامعه‌ای را ترسیم می‌کند که علاوه بر برآورده کردن نیازهای مادی افراد جامعه، توجه خود را به نیازهای معنوی ایشان نیز معطوف کرده است تا پیشرفت مادی و معنوی را برای نوع بشر تضمین نماید. این اهداف تنها از طریق ایجاد پیوند و الفت اجتماعی حصول پذیر هستند و شارع مقدس احکام خویش را در جهت تعاون، مشارکت وضع کرده است. معارف و قوانین الهی چنان طرح‌ریزی شده است که سلامت فردی و اجتماعی به بهترین و مؤثرترین شکل ممکن تحقق پیدا کند.

در جامعه دینی روابط بر اساس احترام متقابل و حفظ شخصیت و حقوق اجتماعی افراد تعریف شده است و هرگونه خدش‌های به این روابط، سر و ضد ارزش تلقی می‌شود و مستوجب آثار سوء دنیوی و عذاب اخروی خواهد بود.

غیبت یکی از گناهانی است که در دین و تعلیم انسانی ضد ارزش قلمداد شده و خدای متعال با وضع قانون و تعیین مجازات‌های سخت در این صدد است که مردم را از ارتکاب آن باز دارد.

شکی نیست که بالاترین سرمایه‌های انسانی آبرو و حیثیت، اوست و اصل بنیادی روابط اجتماعی دینی فاش نشدن عیوب، رفتارها یا ویژگی‌هایی است که از دید دیگران منافی است. این نادیده گرفتن و عدم نقل نقص‌های دیگران سبب ایجاد روح هم‌زیستی مسالمت آمیز و حفظ شخصیت و شئون افراد و در نهایت جلوگیری از بسیاری معاصی و ضد ارزش‌ها در جامعه است. از آنجاکه روابط اجتماعی متقابل و دوسویه است، در صورت رواج غیبت در جامعه، بستر مناسبی برای بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی به ویژه بهتان فراهم می‌شود.

یکی از آثار خانمان‌سوز یا اگر بخواهیم واقع‌بینانه به این گناه بنگریم جامعه‌سوز غیبت، رواج روحیه نفاق در جامعه است. محیطی که افراد در رویارویی با هم، یکدیگر را تأیید و در غیاب هم به ذکر عیوب و غیبت از هم می‌پردازند.

در چنین جامعه ناسامانی موقعیت و منزلت اجتماعی افراد دچار تزلزل می‌شود و اشاعه این گناه مانند ویروسی همه گیر شخصیت افراد را بیمار و دچار از هم پاشیدگی می‌کند. با رواج این معصیت

کبیره، حیای بین فرد و پروردگار بسیار کم‌رنگ شده و قبح و زشتی اعمال ناپسند از بین می‌رود که خود زمینه‌ساز ارتکاب اعمال ناپسند و منکرات بسیاری خواهد بود و دلیل این حدیث شریف نبوی (ص) که «الغیبه اشد من الزنا» بیش از پیش در چنین جامعه‌ای روشن خواهد بود.

از سوی دیگر ذکر عیوب و رفتارهای ناپسند دیگران آن هم در غیاب ایشان، بذر عداوت و دشمنی را که یکی از حربه‌های شیطان برای دور کردن بندگان از تقرب به خدای متعال است، در دل‌ها می‌نشاند و - با زمینه‌ساز بسیاری از اختلاف‌هایی است که سبب انحطاط جامعه و سقوط ارزش‌های دینی و انسانی در آن جامعه خواهد بود. بررسی بسیاری از جرم و جنایت‌های رخ داده، حاکی از آن است که بسیاری از قتل‌ها و رفتارهای خشن در جامعه ریشه در عدم رعایت دستورات شرعی و اصول اخلاقی بالاختص در مورد گناه غیبت دارد.

رواج غیبت در جامعه سبب شدن ارتباطات اجتماعی نیز می‌شود؛ به گونه‌ای که این تفکر بر افراد جامعه غالب می‌آید که افراد سایه به سایه اندک و ناشایستگان بی‌شمارند و در نتیجه اعتماد افراد به یکدیگر سطحی شده و جامعه از جوهر سازهای متعهد و معتمد بی‌بهره خواهد بود. علاوه بر این، در صورت رواج غیبت، امنیت روانی افراد نیز در معرض تزلزل می‌شود. بر همگان آشکار است که ترور شخصیت بسیار آزردهنده‌تر و تلخ‌تر از ترور شخص است و در این گناه حیثیت و آبروی افراد مورد حمله و هدف تهاجم قرار می‌گیرد.

علاوه بر مشکلات و مسائلی که غیبت در جامعه و روابط اجتماعی ایجاد می‌کند آثار سوء فردی آن نیز جای درنگ و تأمل دارد تا جایی که از غیبت به عنوان گناه کبیره و بسیار شدیدتر از گناه زنا یاد شده و مهم‌ترین دلیل بر این اشد بودن آن است که غیبت در بر گیرنده به نوعی ظلم است؛ ظلم به خدا، ظلم به مردم و ظلم به نفس.

در روانشناسی امروز که تکیه آن بر فردگرایی است و تا حدود زیادی به منافع شخصی اهمیت می‌دهد، از غیبت به عنوان نوعی پرخاشگری و خشونت ارتباطی و حتی نوعی بیماری روانی یاد می‌شود که به روان درمانی و مشاوره نیاز دارد. بسیاری از متخصصان علوم رفتاری معتقدند تا زمانی که عقده‌ها و کاستی‌های افرادی که غیبت می‌کنند درمان نشود، دیگران از آسیب‌های گفتاری و اجتماعی ایشان مصون نمی‌مانند و از فرد غیبت‌کننده به عنوان بیماری با مشکل روانی-شخصیتی یاد می‌کنند.

مشکلات فراوانی از لحاظ روانی هم برای غیبت‌کننده و هم شنونده غیبت وجود دارد چنانکه استیون رابرتز روانشناس و نویسنده غربی می‌گوید: «شنونده غیبت در واقع به شخصیت خودش توهین می‌کند، اگر اجازه دهید شخصی درحضور شما از شخص دیگری بدگویی کند درحقیقت اجازه داده‌اید که او برای شما تصمیم بگیرد؛ چرا که به هر حال، وقتی حرف‌های او تمام می‌شود ذهنیت شما نسبت به فرد غیبت‌شده، تغییر پیدا می‌کند و این یعنی شخص غیبت‌کننده در برقراری رابطه و تنظیم سطح رابطه‌تان با شخص غیبت‌شونده به جای شما تصمیم گرفته است».

به علاوه این رفتار ناپسند اخلاقی سبب می‌شود روح معنویت انسان نیز دستخوش آسیب و بیماری شود. راجع به آثار سوء فردی که در روایات به چشم می‌خورد می‌توان به تباهی اعمال نیک، خروج از ولایت خداوند، ورود به ولایت شیطان، فاسد شدن دین، کاهش ارزش عبادات، مانعی برای قبول اعمال، محرومیت از بهشت، تأخیر پاداش و تقدیم مجازات، تجسم زشت در قیامت و... اشاره کرد.

با اندک تأملی در آنچه تاکنون باز شد، ضرورت ریشه‌یابی و درمان این گناه جامعه‌سوز که سبب از هم پاشیدگی شخصیت فرد، سستی روابط خانوادگی و نابسامانی‌های فراوانی که گریبان‌گیر جامعه اسلامی است از جمله گسترش روح بی‌اعتمادی، رنج جامعه و زمینه‌سازی برای بسیاری از گناهان کبیره دیگر پی می‌بریم.

برای درمان هر بیماری به ناچار باید به ریشه‌یابی علل ریز بیماری پرداخت و در صورت کشف علل، درمان سهل‌الوصول‌تر خواهد بود.

غیبت نیز مانند بسیاری از بیماری‌های اخلاقی تدریجی است و به تازگی به صورت یک بیماری روانی ظاهر می‌شود؛ به گونه‌ای که فرد از ارتکاب به آن احساس لذت و از دست دادن آبروی دیگران احساس رضایت و خشنودی می‌کند و این یکی از مراحل خطرناک و سبب انحطاط اخلاقی است.

پس ابتدا باید به درمان انگیزه‌های درونی غیبت مانند بخل، حسد، عداوت، کینه توزی، کبر و غرور، سوء ظن و بدگمانی، تجسس، انتقام جوئی و... پرداخت و از طریق خودسازی و تفکیر بر آثار سوء دنیوی و اخروی این گناه خانمان‌سوز، مهار نفس را در دست گرفت.

طی این راه سخت و طاقت‌فرسا که به جهاد اکبر تعبیر شده، اولین و مهم‌ترین قدم یاری جستن از پروردگار یکتاست. تأمل در آثار ترک گناه غیبت به ویژه خشنودی ذات اقدس باری تعالی خود به‌عنوان بهترین محرک برای ترک این رفتار زشت و سایر معاصی است.

پرداختن به عیوب خود و رفع آنها عامل مهم دیگری برای جلوگیری از برشمردن گناه و عیوب دیگران است؛ چنانکه پیامبر مهر و رحمت محمد مصطفی (ص) می‌فرماید: «طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب المؤمنین».

از دیگر سو گاهی انسان برای تیرنه خود از رفتارهای ناشایستی که انجام داده است، مرتکب گناه غیبت می‌شود. در این حال توجه به این مهم حائز اهمیت است که اگر برای دوری از نکوهش مردم عیب دیگران را بیان کند، این احتمال وجود دارد که مردم سخن او را نپذیرند. در این صورت وی برای فرار از نکوهش خلق خداوند، خشم و غضب حتمی و قطعی را از سوی خدا برای خود فراهم کرده است؛ در عالم به هیچ باقلی، برای نفع احتمالی موهوم ضرر قطعی را متحمل نمی‌شود و حتی در صورت پذیرش از سوی مردم و حصول نفع موهوم دنیایی ضرر قطعی و حقیقی و معنوی را به جان نمی‌خرد.

تفکر در احوال و احوال پیر روی انسان و اینکه فرد پیش از گفتن هر سخنی به سود و زیان‌های دنیوی و اخروی آن بیندیشد و برگزیدن مجلس که اهل آن مجلس اهل غیبت نباشند و همچنین استفاده از تفریحات و رقابت سالم به جای تندر و سعی در تخریب شخصیت دیگران و تجسس در احوال ایشان نیز از راهکارهای مناسب برای فرار از این شاه کبیره است.

برای مبارزه در صحنه اجتماع نیز باید تمهیداتی اندیشید و راهی را به کار بست تا ضد ارزش بودن این پدیده ناپسند در جامعه، بنیادی و نهادینه شود و آن زمان است که غیبت به عنوان رفتاری خارج از چارچوب و هنجارهای جامعه مورد قبول بوده و باور همگان بر ضد ارزش بودن این عمل غیراخلاقی تعلق گیرد و هنجارسازان جامعه نیز بستر را برای چنین باور فراهم آورند.

نظارت و کنترل احاد افراد جامعه نسبت به رفتارهای یکدیگر به‌ویژه خانواده به‌عنوان خردترین سازمان اجتماعی بیشترین نقش را ایفا می‌کند. چنانچه افراد خانواده در سطح خرد و جامعه در سطح کلان به یکدیگر یادآور شوند که غیبت موجب سقوط ارزش‌های اخلاقی و نظم و امنیت اجتماعی است و در صورت مواجهه با مجلسی که در آن گناه غیبت صورت می‌گیرد، از این منکر بسیار ناپسند و بلای جامعه سوز نهدی کنند و از حقوق فرد غیبت‌شده دفاع و غیبت‌کننده را مجبور کنند تا خدشه‌ای که به شخصیت و حیثیت غیبت‌شونده وارد کرده‌است جبران و احیا کند و با مرتکبان آن برخورد قاطعانه و تنبیهی داشته باشند و در گام بعدی پاکاتی که گوهر وجودی خود و دیگران را به این پلیدی

خانمان برانداز نمی آلاینند، مورد تشویق قرار دهند و به عنوان یک الگوی اخلاقی و ارزشی به ایشان بنگرند.

آنچه تا اینجا بیان شد تنها بخش بسیار اندک از آثار سویی است که پیامد گناه غیبت و رواج این گناه در جامعه داشته و ریشه‌یابی علل و درمان آن است و تفصیل آن را می‌توان در کتاب‌های اخلاقی و تربیتی جویا شد.

مقدمه کتاب

غیبت یکی از پر ابتلاترین مسائل شرعی است، به طوری که به جرأت می توان گفت کمتر مسئله ای از مسائل شرعی تا به این اندازه مورد ابتلا بوده و از آن سؤال می شود.

سؤالاتی چون: محدوده غیبت چیست؟ غیبت از چه کسانی حرام است؟ در چه صورتی غیبت جایز است؟ قیود دخیل در مفهوم آن کدام است؟ در چه صورت هایی بدگویی پشت سر دیگران غیبت به حساب می آید؟ برای توبه کردن از این گناه چه اقداماتی باید انجام گیرد؟ شنونده غیبت چه وظایفی بر عهده دارد؟ و این قبیل مسائل.

کتاب حاضر به بررسی مسائل شرعی مختلف مربوط به غیبت اختصاص یافته و در پنج فصل تهیه و تنظیم شده است.

فصل اول به بررسی حکم شرعی غیبت اختصاص داده شده که طی آن اولاً حرمت این عمل براساس میزان دلالت مستندات فقهی بررسی شده و ثانیاً در جهت کبیره یا صغیره بودن این گناه و اینکه تأثیر کبیره یا صغیره بودن چه اثر علمی دارد با اختصار بحث شده، همچنین در فصل اول این جهت که آیا در حرام بودن غیبت، شیعه دوازده امام (علیهم السلام) بودن غیبت شونده شرط است یاخیر؟

در فصل دوم بحث از قیود مختلفی که درمورد مفهوم غیبت مطرح است، به صورت مبسوط به عمل آمد.

ابتدا این قیود در چارچوبی منطقی تقسیم شد و سپس با رعایت نظام ترتیبی، یک به یک مورد بحث قرار گرفت.

در فصل سوم کفاره غیبت و چگونگی توبه از این گناه بحث شد، اینکه آیا در توبه از این گناه لازم است از غیبت شونده حلالیت گرفته شود؟ یا انجام دادن چه امور دیگری به منظور توبه از این گناه لازم است؟

در فصل چهارم مستثنیات غیبت و اینکه در چه مواردی غیبت کردن حرام نبوده بلکه جایز است تحلیل شد.

در فصل پنجم که آخرین فصل این اثر است، به احکام مربوط به استماع و شنیدن غیبت پرداخته شد.

اثر حاضر از جهات زیر دارای امتیازات و ویژگی‌هایی است که عبارتند از :

الف) ترتیب و تنظیم منطقی مباحث و این درحالی است که در طرح بسیاری از مسائل مربوط به مسئله غیبت و نیز در طرح ادله و مباحث مربوط به آن، مراعات ترتیب منطقی در کتاب‌هایی که از سوی صاحب‌نظران تحریر گردید، کمتر مورد توجه بوده است؛

ب) از جنبه ذکر دلایل به صورت کامل و اینکه در هر مسئله‌ای به تمام دلایلی که شاید مستند فقهی قرار بگیرد، توجه شده است؛

ج) در هر بخشی به صورت مختصر و گویا نتیجه بحث منعکس شده است و خواننده محترم می‌تواند با مراجعه آخر هر مبحثی از نتیجه‌ای که در مورد آن بحث شده، آگاهی پیدا کند؛

د) در موارد بسیاری، دلایل که از سوی صاحب‌نظران مطرح شده، نقد و بررسی شده‌اند که از این دیدگاه نیز مجموعه حاضر دارای اهمیت است؛

ه) اثبات فرضیات و ادعاهای مورد طرح، از استناد و استدلال کافی برخوردار است و در موارد متعددی استدلال‌ها به صورت ابتکاری مطرح شده‌اند؛

علاوه بر امتیازاتی که به آن اشاره شد، باید خاطر در این موضوع به زبان فارسی است و به صورت کامل به این مبحث پرداخته و تمامی دلایل و مستندات فقهی ذکر شده، که در مجموع موجب شایان توجه بودن اثر حاضر است.

و ما بقی الباقی علیہ توکلت والیہ انیب